

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تفسیر قرآن کریم

آیت الله علی دوست

جلسه سوم: چهارشنبه ۱۴۰۲/۷/۱۹

### اشاره

بنا بر روایتی که درباره حضرت موسی (ع) نقل شد، ممکن است گفته شود در محاسبه الهی حتی از آن حضرت نیز عبادتی پذیرفته نبوده است، مگر ولایت با اولیای الهی و برائت از دشمنان خداوند. بیان این روایت سمبلیک و نموداری است و اثرگذار خواهد بود اما باید توجه داشت که نافی خلوص و ارزش عبادات حضرت نیست و تنها بیانگر اهمیت و جایگاه دوستی با اولیای الهی و دشمنی با دشمنان خداوند است.

با توجه به رویکرد بحث حاضر در بیان مسائلی از تفسیر آیات که کمتر بیان شده و یا مغفول واقع شده است، از تفصیل و بیان مسائلی که پیشتر مفسران و بزرگان بیان کرده اند، خودداری کرده و بحث در تفسیر سوره حمد را پایان می دهیم.

### تفسیر سوره بقره

«الم»

در رابطه با مقطعات تا پنج وجه و بلکه بیشتر در کتب تفسیری بیان شده است. در منابع تفسیری در این باره روایاتی از ائمه اطهار (ع) و اقوالی از دیگران (مانند ابن عباس و سعید بن جبیر) ذکر شده است.

برخی روایات، مقطعات را از تشابهات برشمرده که این فرمایش، بالوجدان نیز محسوس است. بیان دیگر در روایات، رمز بودن مقطعات است؛ بدین معنا که این حروف به صفات خداوند متعال اشاره دارد. مانند اینکه در روایتی از امام رضا (ع) از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که حضرت، «الف» در «الم» را رمز و اشاره به شش صفت از صفات الهی بیان فرموده اند. قریب به همین مضمون از ابن عباس نیز نقل شده است. او «الم» را «انا الله اعلم» معنا کرده است.<sup>۱</sup> روشن است که این بیان با بیان اول که مقطعات را از تشابهات برشمرده است، منافاتی ندارد.

بنا بر قولی ممکن است این مقطعات، اشاره به تشکیل معانی بسیار رفیع قرآن کریم از حروف بسیط و ساده باشد. این مطلب تأکید بر اعجاز کلام خداوند است. در عین حال، تکرار مقطعات در سوره‌های مشخص و با صورت‌های متفاوت، پذیرش این سخن را به عنوان احتمالی قابل اعتنا، مشکل می‌کند.

اعراب و موقعیت مقطعه «الم» نیز در منابع تفسیری مورد بحث قرار گرفته است. وجوه بسیاری در این باره گفته شده و وجوه دیگری نیز قابل فرض است. چه بسا گفته شود این حروف مقطعه مبتدا برای تمام قرآن کریم باشد؛ مانند آغاز یک سخنرانی طولانی با عبارت «قولی» که در این صورت، «قولی» مبتدا و ادامه سخن تا به آخر، خبر خواهد بود، یا بالعکس. پذیرش این اقوال و فروض مشکل به نظر می‌رسد؛ چرا که مقطعات از تشابهات قرآن کریم است و ذکر وجه مشخصی برای اعراب آن نیز مناسب نیست. فرمایش برخی بزرگان مبنی بر حل شدن تمام تشابهات قرآن کریم نیز امری است که نمی‌توان بر آن برهان اقامه کرد.<sup>۲</sup>

### «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»

۱. ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، صص ۴۲-۴۳.

۲. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّهِ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» (آل عمران / ۷)؛ لذا وعده‌ای بر بیان تمام تشابهات برداشت نمی‌شود، بلکه بیان می‌دارد فهم تشابهات برای همه ممکن نیست. اگر او را برای عطف بدانیم تنها خداوند و راسخان در علم تأویل آن را می‌دانند و اگر آن را برای استثنا و ابتدای جمله‌ای جدید بدانیم، عالم تأویل تشابهات تنها خداوند است. باقی ماندن برخی از تشابهات و رموز در قرآن کریم نیز منافاتی با کتاب هدایت بودن این کتاب آسمانی ندارد؛ چرا که لازمه کتاب هدایت بودن، فهم تمام آن توسط همه مردم نیز نیست. قول به این ملازمه سخنی است که به «همه کشی» مطرح در مسیحیت منتهی می‌شود و افراد و جریانات مختلف با درجات فهم و اهداف متفاوت تشابهات قرآن کریم را به نفع خود معنا خواهند کرد.

کاف در ذلک، تنها برای خطاب است و این واژه اشاره به بُعد دارد (برخلاف ذا و ذاک و هذا). این در حالی است که کتاب مورد اشاره، یعنی قرآن کریم، قریب است و مخاطب سخن پیامبر اکرم (ص) یا عامه مردم باشند، کتاب از آنان بعید نیست. در توجیه این مسئله گفته شده که اشاره به بعید برای پدیده‌ای نزدیک، در زبان عربی به قصد احترام و تفخیم آن استعمال می‌شود. چنین استعمالی نیازمند دلیل است، اما اصل اختصاص «ذلک» به اشاره به دور نیز محل تأمل است. همان‌طور که فخر رازی استعمال عرفی آن را برای اشاره به دور می‌پذیرد، اما اختصاص آن را به چنین اشاره‌ای در علم لغت عربی نمی‌پذیرد.

### نکات محل تأمل در آیه

۱. بنا بر دیدگاه ابن هشام «ال» در الکتاب، به معنای استغراق مجازی و نشان‌دهنده جایگاه رفیع و بیان کمال است؛ مانند زید الرجل.<sup>۱</sup> این سخن ذوقی و بدون دلیل است و عهد حضوری دانستن «ال» بدون مؤونه است؛ مگر اینکه استعمال یک لفظ در بیش از یک معنا را بپذیریم و هر دو معنای عهد حضوری و استغراق را در اینجا مراد بدانیم.

۲. تعبیر «کتاب» در این آیه، مورد استناد عده‌ای است که مدعی شده‌اند قرآن کریم در عصر پیامبر اکرم (ص) به شکل کتابی کامل درآمده است.

۳. در توصیف قرآن کریم، بدل از «هدی للضالین» یا «هدی للمتحرین»، به «هدی للمتقین» تعبیر شده است.

نکات فوق در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. ابن هشام، مغنی اللیب، ص ۷۲.